

بررسی تحولات اخیر مصر

با تأکید بر علل سقوط محمد مرسی

گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۲)

مطالب مطرح شده در این نشست لزوماً بیانگر
مواضع رسمی مرکز پژوهش‌ها نیست.

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۰۹۸

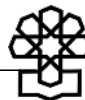
مردادماه ۱۳۹۲

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	مشروح نشست
۲۷.....	پرسش و پاسخ
۳۴.....	جمع‌بندی و ارزیابی



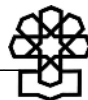
بررسی تحولات اخیر مصر با تأکید بر علل سقوط محمد مرسی گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۲)

چکیده

گزارش حاضر که متن تنظیم شده سخنرانی دو تن از صاحب نظران در زمینه تحولات مصر است، می‌کوشد فهم مناسبی از تحولات این کشور ارائه دهد. بخش نخست گزارش، متن سخنرانی آقای دکتر حسین سلیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، است که به علت ریشه‌ای تحولات اخیر در مصر می‌پردازد و در این میان بر نقش تاریخی نهاد دولت تأکید می‌ورزد. بخش دوم گزارش متن سخنرانی آقای دکتر عبدالامیر نبوی عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم است که به عملکرد اخوان المسلمین در قبل، حین و پس از پیروزی انقلاب مصر می‌پردازد و دورنمای جایگاه آن در سطح داخلی و منطقه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مقدمه

اقدام ارتش مصر در برکناری محمد مرسی، رئیس‌جمهور این کشور که از طریق انتخابات دمکراتیک به قدرت رسیده بود، واقعیت‌های مصر را بیش از پیش آشکار ساخت؛ قدرت فراگیر نهاد ارتش در مصر و در کنار آن، نفوذ قابل ملاحظه اخوان‌المسلمین در میان بخش عظیمی از توده مردم در مصر عملاً باعث هم‌آوردی و در نهایت رویارویی دو قطب متضاد در این کشور شد. این روند تأثیرات گسترده‌ای بر عرصه داخلی مصر و تحولات منطقه‌ای برجای نهاد. به‌طور کلی تحولات مصر در طول یک سال گذشته رفته‌رفته اکثر مقامات سیاسی و نظامی و امنیتی و کارشناسان منطقه‌ای و بین‌المللی را نسبت به چشم‌انداز ثبات و پایداری و نظم جدید مستقر در این کشور که پس از روی کار آمدن محمد مرسی شکل گرفته بود دچار تردید ساخت. به‌ویژه در ماه‌های اخیر این جمع‌بندی حاصل شد که سرنگونی مرسی رئیس‌جمهور منتخب مردم مصر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. سرانجام این پیش‌بینی به‌وقوع پیوست و محمد مرسی با دخالت آشکار نظامیان از قدرت خلع شد. در این میان آنچه در پرتو تحولات اخیر مصر اهمیت دارد ناتوانی اخوان‌المسلمین در اداره دولت و دولت‌سازی برای کشور، نارضایتی مردم و احزاب مخالف مصری و تأثیرپذیری دنیای عرب از تلاطم امواج ناشی از تحولات اخیر در مصر است. این گزارش تقریری از میزگرد کارشناسی با حضور آقایان دکتر حسین سلیمی و دکتر عبدالامیر نبوی از صاحب‌نظران مسائل منطقه است که به تبیین واقعیات و فرآیندهای حاکم در جامعه مصر، چرایی سرنگونی محمد مرسی و پویش‌های درونی



اخوان‌المسلمین و جایگاه فعلی آن در مصر و جهان عرب پس از تحولات اخیر در این کشور می‌پردازد.

مشروح نشست

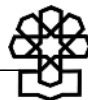
بخش اول - نهاد دولت و تحولات سیاسی اخیر در مصر

سخنران: دکتر حسین سلیمی

برای بررسی وقایع سیاسی اخیر در مصر ضرورت دارد تا ریشه اصلی تحولات این کشور مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد که ریشه اصلی این‌گونه تحولات نه تنها در مصر، بلکه در بسیاری از کشورهای خاورمیانه این است که «نهاد دولت» در این جوامع فرآیند طبیعی شکل‌گیری یک دولت مدرن را طی نکرده است، به عبارت بهتر، دولت در این جوامع به صورت یک نهاد مصنوعی در شرایط خاصی به وجود آمده و بر بنیان‌های خاصی استوار شده است. هنگامی که آن شرایط از بین می‌روند یا بنیان‌ها تغییر می‌کنند نهاد دولت از درون دچار بحران می‌شود. این روند در اکثر کشورهای خاورمیانه به خصوص در مصر که کشور بزرگی در منطقه است وجود دارد. تاریخ مصر از سه هزار و چندصد سال پیش تا سال ۱۹۵۰ نشان می‌دهد که در این کشور هیچگاه مصری‌ها بر خود حکومت نکردند. در این دوره همواره ایرانی‌ها، رومی‌ها و قدرت‌های بیگانه دیگر بر مصر حکمرانی می‌کردند. در واقع، بعد از جنگ جهانی دوم و پس از کودتای افسران آزاد، مصری‌ها برای اولین بار خودشان قدرت را در دست گرفتند. در واقع نهاد دولت مصر نهاد جدیدی است که در اثر آمیزه‌ای از

فشارهای ساختارهای نظام بین‌المللی از یکسو و مناقشات داخلی از سوی دیگر شکل گرفته است. به همین دلیل، وقتی به نهاد دولت در مصر می‌نگریم درمی‌یابیم که این نهاد در مصر دو کار ویژه اصلی داشته است: یکی، ایجاد نظم داخلی در میان گروه‌های پرمناقشه و دیگری، تأثیرپذیری از الزامات بین‌المللی. از زمان جمال عبدالناصر به بعد الزامات بین‌المللی بر تحولات داخلی در مصر سایه افکنده است. در این چارچوب، هرگاه بحرانی در عرصه نظم داخلی ایجاد می‌شود یا کارویژه بین‌المللی مصر شروع به دگرگون شدن می‌کند نهاد دولت در درون خود دچار التهاب می‌شود زیرا این نهاد از همان ابتدا با این دو زمینه و پایه مهم شکل گرفته است. به همین دلیل، نهاد دولت در مصر بیشتر برون‌گرا بوده و هنوز توسعه‌گرا نیست.

به عبارت دیگر نهاد دولت در مصر به صورت درون‌زا شکل نگرفته، بلکه همواره تحت تأثیر الزامات بین‌المللی بوده است؛ برای مثال، می‌توان به نحوه شکل‌گیری دولت محمدعلی پاشا اشاره کرد. زیرا وقتی ناپلئون بناپارت مصر را اشغال کرد دولت عثمانی برای بازپس‌گیری مصر محمدعلی پاشا را به این کشور می‌فرستد. وی موفق می‌شود اولین شکل دولت مصری را در عصر مدرن به‌وجود آورد. در قرن نوزدهم هرچند مصر تحت کنترل حقوقی امپراتوری عثمانی بود ولی کاملاً تحت کنترل انگلستان قرار داشت و از این رو شکل گرفتن دولت مستقل مصری هم تحت تأثیر الزامات بین‌المللی منتفی شد. در سال ۱۹۲۰ پس از جنگ جهانی اول که به فروپاشی امپراتوری عثمانی منجر شد، انگلستان سرپرستی موقت مصر را برعهده می‌گیرد و در سال ۱۹۲۱ دولتی در مصر متولد می‌شود که کاملاً تحت تأثیر الزامات نظام

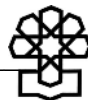


بین‌المللی بود. بنابراین شکل گرفتن نهاد دولت مدرن و نظام نوین حکومت و حتی کشور - ملت مصر تحت تأثیر تحولات نظام بین‌الملل بوده است.

مراحل بعدی شکل‌گیری دولت در مصر تحت تأثیر ساختار نظام بین‌المللی است. مصر در برهه قبل از شکل‌گیری نظام دوقطبی یعنی در زمانی که نظام چندقطبی حکمفرما بود به یک کشور جدید تبدیل شد. قبل از شکل‌گیری مصر به‌عنوان کشور جدید، انگلستان برقرارکننده نظم در این کشور بود. پس از خروج انگلستان از مصر، مسئله اصلی در جامعه همانا ایجاد امنیت و ثبات داخلی بود. به همین دلیل نظامیان در مصر نقشی تاریخی ایفا کردند، نقشی که در حال حاضر نیز ادامه دارد. نظامیان در ذهنیت مردم مصر همواره نقش امنیت‌آفرین دارند. هر زمانی که آشوب به راه می‌افتد حتی بزرگ‌ترین مخالفان نظامیان نیز از آنها توقع دارند که نقش تاریخی خود را ایفا کنند و نظم و امنیت را برقرار نمایند. بعد از ظهور نظام دوقطبی در عرصه بین‌المللی، تحولات مصر کاملاً تحت تأثیر ساختار نظام دوقطبی قرار می‌گیرد. در ابتدای شکل‌گیری نظام دوقطبی، جمال عبدالناصر می‌خواست با ایجاد سد آسوان تحولی را در بخش کشاورزی به‌وجود آورد. در همین چارچوب، حتی مراحل اولیه دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول هم انجام شد ولی آمریکایی‌ها با این امر مخالفت کردند. بعضی از کارشناسان استدلال می‌کنند که بزرگ‌ترین اشتباه تاریخی آمریکا در قبال مصر همین موضع بود زیرا موجب شد تا این کشور به‌سرعت در نظام دوقطبی به سمت شوروی متمایل شود و بدینسان ناصر و ناصریست‌ها به بلوک شرق بپیوندند. از آن زمان به بعد، ساختار ارتش مصر دارای ساختار کاملاً شرقی شد، سیاست مصر که در ابتدا نوعی ناسیونالیسم نظامی بود صبغه

سوسیالیستی هم به خود گرفت. بدینسان اسرائیل در مقابل مصر که پایگاه بلوک شرق بود پایگاه آمریکا شد و اهمیت استراتژیکی یافت. پس شکل انقلابیگری و شکل تنازعی و ساختاری که در دوران ناصر ایجاد می‌شود کاملاً تحت تأثیر ساختار نظام دوقطبی است. هنگامی که نظام دوقطبی از درون تغییر می‌کند و مخصوصاً در دهه ۷۰ تنش‌زدایی بین دو قطب صورت می‌گیرد و دکترین نیکسون (که براساس آن آمریکا باید از منطقه خارج شود و قدرت‌های منطقه‌ای جایگزین قدرت‌های بزرگ شوند) مطرح می‌شود زمان چرخش دولت مصر از بلوک شرق به بلوک غرب فرا می‌رسد.

علاوه‌بر این، وقتی ساختار نظام دوقطبی از هم پاشید و فرآیندهای جهانی به‌تدریج جایگزین فرآیندهای بین‌المللی شدند، نظام مصر دچار بحران شد چراکه این نظام با کارویژه‌ای مبتنی بر نظام دوقطبی قوام گرفته بود و نقش بین‌المللی خود را ایفا می‌کرد. بدینسان، دوباره نظام مصر به‌عنوان متغیر مستقل تحت تأثیر نظام بین‌المللی قرار می‌گیرد. بحران‌های داخلی در نظام مبارک از همان زمانی که تحولات بین‌المللی اوج می‌گیرد به‌ویژه بعد از ظهور بحران اقتصادی در غرب آغاز می‌شود. بدینسان مصر کارکرد خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل از درون دچار مشکلات ساختاری می‌شود. باید به یاد داشت که مصر کشوری است که اقتصاد آن به‌شدت به اقتصاد بین‌المللی پیوند خورده است. به همین دلیل در فضای سیاست داخلی و مخصوصاً در عرصه سیاست خارجی امکان رادیکال شدن در مصر وجود ندارد. هر کس که قدرت را در دست بگیرد در ابتدا باید به نیازهای اقتصادی روزمره رسیدگی کند. جامعه مصر جامعه‌ای است که برای توسعه و تأمین نیازهای اولیه‌اش به سالیانه ۴۰ میلیارد دلار



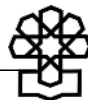
سرمایه‌گذاری نیاز دارد و به هیچ عنوان نمی‌تواند حتی ۲۵ درصد آن را در داخل فراهم کند. برای مثال، در سال ۲۰۱۱ وقتی فعالیت‌های انتخاباتی جریان داشت وزارت اقتصاد مصر، این کشور را در حالت ورشکستگی کامل که به سه میلیارد دلار پول فوری که صندوق بین‌المللی نیاز دارد اعلام کرد. نرخ بیکاری اخیراً در مصر ۲۵ درصد اعلام شده بود، اما در واقعیت نرخ بیکاری بسیار بالاتر از این رقم است. پیش‌بینی می‌شود بالای ۵۰ درصد جامعه مصر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و چنین جامعه‌ای هم نیازمند به کمک دائمی از خارج است و هم نمی‌تواند در عرصه‌های خارجی و داخلی رادیکال باشد. رادیکالیسم امکان بهره‌مندی مصر از کمک‌های مالی بین‌المللی را از بین خواهد برد. این کمک‌های مالی بجز کمک‌هایی است که مستقیماً ایالات متحده و کشورهای دیگر به ارتش می‌دهند. این وضعیت از ابتدا در ارتش شکل گرفته است و از این رو ارتش نهادی مستقل از دولت است. در جوامعی مثل ایران نیروهای نظامی هرگز مستقل از دولت نیستند چون عایدیشان از داخل تأمین می‌شود، تعیین فرماندهانش از داخل است و هیچ حیاتی مستقل از نظام سیاسی ندارند ولی در مصر این چنین نیست: در مصر، ارتش نهادی است که می‌تواند بازیگری مستقل از دولت باشد. حتی در دوران مبارک ارتش نقش مستقل از دولت داشت. وضعیت اقتصادی و اجتماعی مصر این جایگاه ارتش را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در نظرسنجی‌های سه مؤسسه از جمله مؤسسه گالوپ تأیید شده است که اولاً تحت تأثیر فشارهای اجتماعی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد مردم کاملاً غیرسیاسی شده‌اند. رفتارهای انتخاباتی مردم مصر حتی در تظاهرات اخیر نیز نشان می‌دهد تعداد کسانی که در تظاهرات شرکت می‌کنند به ۱۰

درصد جامعه هم نمی‌رسد و کسانی که در انتخابات شرکت کردند کمتر از ۵۰ درصد جامعه بودند. براساس نظرسنجی‌ها، خواسته بیش از ۶۵ درصد مردم به ترتیب تأمین نیازهای اولیه، فقرزدایی، امنیت و آزادی بیان بوده است. به همین دلیل نقش ارتش خیلی مهم است. چون وقتی جامعه به هم می‌ریزد امنیت اجتماعی از بین می‌رود؛ در عرصه سیاست خارجی مهمترین خواسته مردم مصر همیشه خارج شدن اراضی ۱۹۶۷ به بعد از دست اسرائیل و خروج آمریکا از منطقه (کاسته شدن از نفوذ آمریکا) است. نظرسنجی‌ها همچنین نشان می‌دهد که مردم مصر نگرش‌های کاملاً ضدآمریکایی دارند.

چرا در مصر این وضعیت پدید آمد؟

اینکه چرا شرایط مصر به چنین وضعیتی رسید از چند جهت قابل بررسی است؛ نخست آنکه، جامعه مصر جامعه‌ای قطب‌بندی شده است: مردم مصر کاملاً خواهان جامعه‌ای دمکراتیک هستند و نگرش‌های اسلامگرایانه‌ای دارند. جوامع قطب‌بندی شده جوامعی هستند که هر لحظه امکان بروز بحران‌ها و تنش‌های شدید در آنها وجود دارد. در این جوامع، گروه‌های واسطی که بتوانند این قطب‌بندی را تعدیل کنند وجود ندارد؛ بنابراین هر لحظه ممکن است این فضا به بروز تنش‌های شدید منجر شود.

دوم آنکه، سرنوشت مصر با جایگاه بین‌المللی آن درهم‌تنیده است. محیط جهانی تغییر کرده است. محیط سیاسی درون مصر هم این روند را به خوبی نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، در حرکت‌هایی که در منطقه علیه اخوان‌المسلمینی‌ها صورت گرفت (روندی که از ترکیه شروع شد و بعد به مصر رسید) از همان ابزارهای به‌کار رفته در



انقلاب‌های ۲۰۱۰ استفاده شد. این حرکت‌ها در فضای مجازی شکل گرفت و بعضاً از همان ابزارهایی که خود اخوانی‌ها برای سازماندهی استفاده کردند بهره‌برداری شد و به نوعی یک موج ضداخوانی از ترکیه به مصر و در سایر کشورها شکل گرفت.

سوم آنکه، بی‌تجربگی نخبگان بلافاصله نوعی انحصارگرایی در قدرت را ایجاد کرد. در جامعه قطب‌بندی‌شده نمی‌توان قدرت را در حالت انحصار حفظ کرد.

این سه عامل و نیز پیشینه تاریخی مصر دست به دست هم دادند و موجب شکل‌گیری مناقشه داخلی در این کشور شدند. در این میان توجه به نتایج برخی نظرسنجی‌ها در مصر قابل توجه است. به‌عنوان مثال براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۱ در برهه قبل از انتخابات که مرسی به پیروزی رسید، ۴۳ درصد کسانی که در نظرسنجی شرکت کرده بودند نگاه منفی به مقامات شورای نظامی که همان مقامات مصری بودند داشتند درحالی که نگاه ۲۱ درصد مثبت بود و ۱۴ درصد نیز نگاه بینابینی داشتند. این امر کاملاً نشان می‌دهد نگاه جامعه در مورد نظامی‌ها قطب‌بندی شده است. در نظرسنجی دیگری که عملکرد شورای عالی نظامی را بررسی کرده است تقریباً ۴۵ درصد پرسش‌شوندگان بی‌طرف و ۴۰ درصد ضدانقلاب بودند و عده‌ای شورای عالی نظامی را بانی انقلاب دانستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد در جریان انتخابات نگاه‌ها به شورای نظامی مثبت‌تر شده است ولی همچنان ۴۰ درصد نگاه منفی نسبت به نظامیان داشتند. براساس نظرسنجی دیگری، ۶۶ درصد معتقدند که باید شریعت در قانونگذاری نقش داشته باشد ۳۴ درصد مخالفند و همین افراد مخالف همان سکولارهایی هستند که اعتراضات ضدمرسی را شکل دادند. البته ۸۳ درصد از کسانی

که به اجرای شریعت معتقدند بر این باورند که اجرای شریعت باید به گونه‌ای باشد که منطبق با شرایط دنیای مدرن باشد. در سؤال دیگری پرسیده شد دو کشور نام ببرید که از آنها احساس تهدید می‌کنید؟ در پاسخ به این سؤال، بیش از ۹۰ درصد از اسرائیل احساس تهدید دارند و نزدیک به ۸۰ درصد از آمریکا و ۱۸ درصد از ایران. بیشتر کسانی که از ایران احساس تهدید می‌کنند سلفی‌ها هستند. اینها همان کسانی بودند که با ورود اولین توریست‌های ایرانی به مصر شروع به اعتراض و تهدید کردند.

از طرف دیگر عمده‌ترین منبع اصلی خبری که مصری‌ها استفاده می‌کنند شبکه الجزیره است. البته اقبال به این شبکه به نوعی کاهش یافته، اما تا سال ۲۰۱۱، همچنان ۴۰ درصد از مردم مصر از شبکه الجزیره استفاده کرده‌اند و بقیه به سایر شبکه‌های وابسته به عربستان و قطر روی آورده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که مردم مصر عمدتاً از شبکه‌های داخلی استفاده می‌کنند و در کنار آن این شبکه‌های خارجی سعودی و قطری هستند که نظریات آنها را تأمین می‌کنند. به نظر می‌رسد جامعه مصر از دو قطب اصلی تشکیل شده است. هیچ‌کدام از این دو قطب که از نظر سیاسی در مقابل یکدیگرند در پیدایش انقلابی که به سرنگونی مبارک منجر شد نقش اصلی نداشتند ولی در هر حال به قطب‌های سیاسی تبدیل شدند و در حال حاضر کشمکش قدرت بین آنها جریان دارد. اخوانی‌ها در ابتدا موافق حرکت مردمی نبودند و بعداً بر موج انقلاب سوار شدند و جالب اینکه رفتار اخوانی‌ها ریشه تاریخی نیز دارد. سابقه رفتار اخوانی‌ها به اوایل حکومت جمال عبدالناصر برمی‌گردد. یکی از بهانه‌های ناصر برای غیرقانونی اعلام کردن اخوان‌المسلمین و امنیتی کردن فضای مصر این بود که



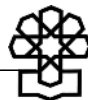
اخوان المسلمین را به برنامه‌ریزی برای ترور خود متهم کرد. از آن پس، دو قطب مهم در مصر شکل گرفت: یک قطب در بطن جامعه در میان اسلامگرایان، و قطب دیگر به‌عنوان قطب امنیت‌آفرین و دولت‌ساز در ارتش. این قطب‌بندی در آرای ریاست‌جمهوری کاملاً دیده می‌شود: در مجموع ۶۰ درصد مردم در دو مرحله انتخابات شرکت نکردند. به‌عبارت بهتر، حداقل نیمی از جامعه غیرسیاسی شده است. از سوی دیگر، آرایش آرا نیز نشان می‌دهد که قطب‌های جامعه در مقابل هم قرار گرفته‌اند و هیچ‌کدام نمی‌توانند به‌صورت قاطع قدرت را در اختیار بگیرند. به بیان دیگر، هر دو طرف کشمکش سیاسی در حدود ۲۰ درصد از آرای شرکت‌کنندگان را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۲۰۱۰ در یک نظرسنجی که در مورد دورنمای اوضاع مصر سؤال شده بود ۷۰ درصد پاسخ داده بودند که اوضاع مصر بدتر خواهد شد؛ این امید در سال ۲۰۱۱ برگشت و ۳۴ درصد پاسخی منفی به این سؤال داده بودند با این حال در سال ۲۰۱۲ پاسخ منفی به ۴۰ درصد و در سال ۲۰۱۳ به ۶۲ درصد (به‌عبارت بهتر، همان وضعیت مبارک) افزایش یافت.

نگاه به کیفیت دمکراسی نیز در جامعه مصر خوشبینانه نیست: ۴۳ درصد نگاه خوشبینانه‌ای نسبت به کارکرد دمکراسی در جامعه دارند. این یافته از نقش امنیت‌آفرین نظامیان در جامعه و افکار عمومی حکایت دارد. در نظرسنجی دیگری، در مورد نقش قرآن در قوانین حکومتی سؤال شده است که ۵۸ درصد بسیار موافقند، ۲۸ درصد موافق بهره‌گیری از مفاهیم کلی قرآن در قوانین حکومتی‌اند و ۱۱ درصد نیز اساساً با این امر مخالفند. این نظرسنجی نشان می‌دهد که برقراری حکومت کاملاً

سکولار در جامعه مصر چندان امکان‌پذیر نیست، چراکه با ذهنیت مردم مصر سازگاری ندارد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که میزان محبوبیت اخوان المسلمین هنوز بالاست، ولی این میزان نزدیک به ۱۲ درصد نسبت به سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. براساس نظرسنجی‌ها، اولویتهای مردم مصر به ترتیب عبارتند از: رفع معضلات اقتصادی، رویه قضایی منصفانه و حاکمیت نظم و قانون، رسانه‌های مستقل، آزادی اندیشه، انتخابات مناسب و آزادی بیان. براین اساس، جامعه مصر تنوع بسیار زیادی از مطالبات را در درون خود دارد که البته نظم، امنیت و مسائل اقتصادی در رأس آنهاست. با این اوصاف، با توجه به نتایج نظرسنجی‌ها که در بالا به آنها اشاره شد، می‌توان گفت که جامعه مصر جامعه‌ای قطب‌بندی شده است.

چشم‌انداز روابط مصر و اسرائیل

مصر بزرگ‌ترین قدرت در منطقه شمال آفریقا است و کارکرد بسزایی را در ساختار امنیت منطقه‌ای ایفا می‌کند و به نظر می‌رسد این کارکرد امکان رویارویی مصر و اسرائیل را از میان می‌برد. به بیان دیگر، مصر و اسرائیل چه بسا ممکن است اختلاف داشته باشند و یا سطح روابط آنها کاهش یا افزایش یابد ولی امکان رویارویی میان دو طرف منتفی است. مصر به یک قدرت ضداسرائیلی در منطقه مبدل نخواهد شد. مردم مصر از اسرائیلی‌ها متنفرند ولی کارکرد دولت مصر به‌گونه‌ای است که به سمت رویارویی با اسرائیل کشیده نخواهد شد. بر این اساس امنیت انرژی و گاز اسرائیل با اختلال مواجه خواهد شد ولی تحولات سیاسی و انقلابی مصر همواره الگویی در منطقه خاورمیانه خواهد بود.



پیش‌بینی دورنمای سیاسی مصر

حرکت جامعه مصر به سمت ثبات سیاسی در گرو وجود یک دولت ترکیبی خواهد بود. اگر یک دولت ترکیبی متشکل از گروه‌هایی از اسلامگرایان، نظامیان، سکولارها و طیف‌های مختلفی که در جامعه مصر وجود دارند شکل بگیرد، این کشور به سوی ثبات سیاسی حرکت خواهد کرد.

اما اگر قدرت در چارچوب یک دولت ترکیبی تقسیم نگردد ثبات و امنیت سیاسی به مصر باز نخواهد گشت. البته باید خاطرنشان ساخت که نهادهای دموکراتیک در جامعه مصر هرگز شکل نگرفته‌اند و به همین دلیل رشد دموکراسی در مصر فرآیندی زمان‌بر خواهد بود. در این میان، به نظر می‌رسد دو سناریو برای آینده مصر قابل تصور می‌باشد:

۱. شکل گرفتن یک حکومت ائتلافی براساس زمانبندی ۶ ماهه اعلام شده

به‌گونه‌ای که گروهی از سکولارها و اسلامگرایان معتدل را - که در کنترل نظامیان خواهد بود - در خود جای دهد: نتیجه وقوع این سناریو قدری تعدیل در سیاست خارجی مصر خواهد بود؛ به‌عنوان مثال در مورد سوریه، مصر بیشتر به عربستان سعودی نزدیک خواهد شد. وانگهی، انتظار این است که روابط مصر با اسرائیل سردتر و با ایران گرم‌تر شود ولی روابط استراتژیک با آمریکا همچنان حفظ خواهد شد. از سوی دیگر، در این سناریو به نظر می‌رسد بند مناقشه‌برانگیز در قانون اساسی حذف شود ولی بندهای دال بر استفاده از قوانین شریعت در قانون اساسی که حکومت ترکیبی را امکان‌پذیر نماید حفظ خواهد شد.

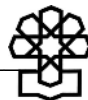
۲. تداوم اغتشاشات داخلی به‌گونه‌ای که نظامیان مجبور شوند مستقیماً قدرت

را در اختیار بگیرند: به نظر می‌رسد جامعه مصر جامعه‌ای نیست که این اغتشاشات یا هرگونه جنگ داخلی را در بلندمدت برتابد چراکه اگر بی‌ثباتی در مصر تداوم یابد، قدرت در دست نظامیان متمرکز خواهد شد. در این صورت، سیاست خارجی کنونی تا حدودی ادامه پیدا خواهد کرد؛ ترکیه، عربستان سعودی و قطر دوباره به مصر نزدیک خواهند شد و دمکراسی نیم‌بندی در جامعه مصر شکل خواهد گرفت.

پیامدهای سناریوهای دوگانه برای ایران

در صورت تداوم منازعه و استمرار نقش محوری نظامیان در عرصه قدرت داخلی مصر، به نظر می‌رسد نقش مهم این کشور در منطقه، که در دوران مرسی کاملاً در حال احیا شدن بود، تا حدودی تضعیف خواهد شد که البته بر نوع رابطه با ایران تأثیر منفی خواهد داشت. اما اگر دولت متشکل از اسلامگرایان میانه‌رو و سکولارها تشکیل شود مهمترین مانع در رابطه ایران و مصر، یعنی مسئله سوریه، در سیاست خارجی مصر رنگ خواهد باخت چراکه مرسی به‌دلیل داشتن گرایش‌های اخوانی و نزدیکی با برخی از مخالفان سوری، مسئله سوریه را به مانعی بزرگ‌تر بر سر روابط ایران و مصر تبدیل کرده بود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد اگر دولت ترکیبی در مصر شکل بگیرد عامل سوریه در سیاست خارجی این کشور رنگ خواهد باخت و این امر به رابطه نزدیک‌تر مصر با ایران منجر خواهد شد.

براین‌اساس، باید بگوییم که بحران داخلی مصر می‌تواند به نفع ایران و گسترش روابط ایران و مصر تمام شود. هیچ‌کس تردیدی ندارد که یکی از کلیدهای سیاست



منطقه‌ای ایران گسترش رابطه با مصر خواهد بود و به نظر می‌رسد اگرچه ممکن است تحولات داخلی برای دمکراسی و ثبات دولت در جامعه مصر مضر باشد ولی می‌تواند آثار مثبتی بر روابط ایران و مصر برجای گذارد و باعث گسترش روابط دو کشور شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود نهادهای رسمی در ایران به هیچ عنوان موضع‌گیری به نفع یا علیه هیچ‌کدام از طرف‌های درگیر نداشته باشند، چه بسا ممکن است هرکدام از این طرف‌ها در آینده دست بالاتری را در قدرت بگیرند و این امر به روابط دو کشور آسیب وارد سازد.

بدینسان، سیاست خارجی اصلی ایران در این دوره باید دعوت طرفین به خویشتنداری و حل مشکل با استفاده از ابزارهای دمکراتیک باشد.

به نظر می‌رسد استراتژی ایران در چند ماه گذشته که با هدف نزدیک شدن تدریجی به مصر اتخاذ شده است، استراتژی کاملاً درستی است. روابط ایران و مصر باید در ابتدا از صنعت توریسم و گسترش برخی از روابط اقتصادی آغاز شود و گام به گام به حوزه‌های دیگر تسری یابد.

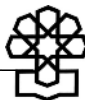
بخش دوم - ارزیابی عملکرد اخوان المسلمین در پرتو تحولات اخیر مصر

سخنران: دکتر عبدالامیر نبوی

تحولات اخیر مصر که منجر به سقوط محمد مرسی شد از ابعاد و زوایای مختلف قابلیت بررسی دارد. بسیاری از کارشناسان این تحولات را از زاویه نحوه عملکرد جمعیت اخوان المسلمین مورد بررسی قرار می‌دهند. چراکه با پیروزی محمد مرسی در

انتخابات ریاست‌جمهوری، این جمعیت عملاً به حزب حاکم در ساختار سیاست مصر تبدیل شد. اما عملکرد اخوان‌المسلمین در یک سال اخیر به نحوی بود که به یکباره با اعتراضات وسیع مردمی روبه‌رو شد و در نهایت مجبور شد تا قدرت را واگذار کند به‌گونه‌ای که این حزب در روزهای آخر حکومت مرسی حامیان چندانی نداشت.

به‌نظر می‌رسد که اشتباهات اخوان‌المسلمین از همان انقلاب ۲۵ ژانویه شروع شد ولی متأسفانه این اشتباهات هر روز بیشتر شد و موجب شکست گروهی شد که تجربه‌ای ۸۰ ساله داشت. اولین اشتباه اخوان‌المسلمین تردید در مورد جنبش مردمی علیه حسنی مبارک بود. این گروه سه روز تمام - از سه‌شنبه تا آخر هفته‌ای که اعتراضات شروع شد - هیچ‌گونه موضع‌گیری در قبال این جنبش نداشت. در اولین تظاهرات مشهور به روز خشم که علیه حکومت مبارک برگزار شد و تا سه روز بعد از آن، اخوان‌المسلمین به دلیل تردیدی که در خصوص انقلاب مردم داشت سکوت پیشه کرد. اما واقعیت این است که موضع اخوان‌المسلمین در این زمینه موضع مخالفت بود؛ ولی بعداً متوجه شد که جمعیت معترض به قدری انبوه است که نمی‌تواند آن را به تنهایی کنترل کند. مهمترین نماد موضع‌گیری مخالف اخوان‌المسلمین این بود که دو روز بعد از روز تظاهرات سه‌شنبه، پایگاه اینترنتی این گروه تصویری خالی از جمعیت را از میدان التحریر منتشر و این‌گونه القا کرد که تظاهراتی رخ نداده است. در ذیل این تصویر عبارت «امروز میدان التحریر» نوشته شده بود. این تصویر حاوی این پیام به هواداران اخوان‌المسلمین بود که در مصر هیچ اتفاقی نیفتاده است و بنابراین نیازی نیست که آنها در تظاهرات شرکت کنند. در



این مقطع بود که اولین اصلاحات در متن اخوان المسلمین رخ داد. لازم به ذکر است که از مدت‌ها قبل، یک شکاف نسلی در اخوان المسلمین وجود داشته است، این شکاف بین دو جناح اصلی مشهود است: گارد قدیمی و جناح اصلاح طلب. مهمترین نماد گارد قدیمی محمد بدیع، مرشد فعلی اخوان المسلمین، است. رهبری او پس از استعفای محمدمهدی عاکف بدین معنا بود که اخوان المسلمین می‌خواهد رویه سابق خود را ادامه دهد و نیاز چندانی به نوآوری نمی‌بیند، اما نمادهای نسل جدید اخوان المسلمین مثل محمد حدید، محمود عزت و از همه مهمتر عبدالمنعم ابوالفتوح، که از مکتب الارشاد اخوان المسلمین اخراج شد، بودند. انتظار می‌رفت که بعد از محمدمهدی عاکف، نسل نو و گرایش اصلاحی اخوان المسلمین به قدرت برسد، اما گارد قدیمی با اخراج محمد حبیب نفر شماره دو اخوان المسلمین و منزوی کردن عبدالمنعم ابوالفتوح کودتا کرد و حتی محمدمهدی عاکف نیز مجبور به استعفا شد. بنابراین، گارد قدیمی با کودتا روی کار آمد و همان رویه‌ها ادامه یافت. بر این اساس، قابل تأیید است که اختلافات درونی اخوان المسلمین اختلافاتی بوده که از قبل وجود داشته است. با ریشه‌یابی موضوع درمی‌یابیم که حزب القسط (که در واقع شامل اسلامگرایان میانه‌رو می‌شود) به رهبری ابوالعلی ماضی در سال ۱۹۹۶ از اخوان المسلمین انشعاب پیدا کرد.

به هر حال، بدنه اخوان المسلمین برخلاف توصیه‌های رهبری این حزب در اعتراضات وسیع مردمی حضور پیدا می‌کند و بعد از آن رهبری مکتب الارشاد به دنبال جوانان اخوان المسلمینی به درون اعتراضات کشیده می‌شود. اتفاقاً حمایت بعدی این

گروه به رشد و گسترش جنبش مردمی کمک کرد چراکه سازمان اخوان المسلمین و شبکه‌های آن در روستاها و شهرهای کوچک در خدمت انقلاب قرار گرفتند.

این رویه اخوان المسلمین در جریان انقلاب مصر نوعی تردید در اذهان عمومی مردم در مورد برنامه‌های آینده این تشکل ایجاد کرد. در مقابل، از آن به بُعد مکتب‌الارشاد و رهبری اخوان المسلمین تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کوشید تا نزد بازیگران سیاسی اطمینان‌بخشی و اعتمادسازی کند و مسئولیت‌پذیری و احساس تعهد خود نسبت به آرمان‌های دمکراتیک را در عمل نشان دهد. در این راستا، اخوان المسلمین به‌طور مداوم وانمود می‌کرد که مبارزات این گروه در گذشته نیز برای استقرار دمکراسی بوده است و از این رو این حزب به دنبال برقراری حکومت اسلامی مشابه الگوی عربستان سعودی و یا امارات متحده عربی و تکرار تجربه رادیکالیسم نیست. اخوان المسلمین این‌گونه مواضع را در پیش گرفت تا بتواند اعتماد و اطمینان بازیگران داخلی به‌ویژه جوانان انقلابی جنبش ۸ آوریل را جلب کند، چراکه در واقع آنها بودند که زمینه پیدایش و رشد انقلاب را فراهم کرده بودند.

در همین چارچوب، اخوان المسلمین در مورد انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد که قصد معرفی نامزد ندارد و حتی زمانی که عبدالمنعم ابوالفتوح (که عضو مکتب‌الارشاد بود و احتمال می‌رفت رهبری اخوان المسلمین را در آینده برعهده گیرد) تمایل خود را به نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد، از این حزب اخراج شد. بخشی از اعضای اخوان المسلمین در شهر اسکندریه که برای ابوالفتوح تبلیغات می‌کردند نیز از بدنه این حزب اخراج شدند و حزب به‌طور علنی اعلام کرد که



اساساً برنامه‌ای برای انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد و در نتیجه هیچ نامزدی هم معرفی نخواهد کرد. در واقع اخوان المسلمین قصد داشت به سایر بازیگران فعال در عرصه سیاسی اطمینان دهد که تمامیت‌خواه و انحصارطلب نیست و به دنبال همکاری با آنهاست.

اخوان المسلمین در مورد انتخابات پارلمانی نیز اعلام کرد که پایگاه رأی این حزب به‌گونه‌ای است که بیش از ۳۰ درصد کرسی‌های پارلمانی را به‌دست نخواهد آورد و از این رو، حداکثر برای ۵۰ درصد کرسی‌های پارلمانی نامزد معرفی خواهد کرد تا در نهایت بتواند ۳۰ درصد از کرسی‌های پارلمان را به‌دست آورد. این موضع‌گیری‌های مداوم و رسمی سبب شد وجهه و منزلت اخوان المسلمین ارتقا یابد و موضوع عدم شرکت فعال اولیه‌اش در جنبش مردمی به فراموشی سپرده شود. بدینسان، اخوان المسلمین ادعا کرد که به حزبی دمکراتیک تبدیل شده است و به دنبال اجرای دیدگاه‌های افرادی مثل سید قطب یا تجربه طالبان در افغانستان نیست و در واقع نمادی مناسب برای اسلام میانه‌رو محسوب می‌شود. به‌طور همزمان، اخوان المسلمین با حزب النهضه در تونس و حزب عدالت و توسعه در ترکیه ارتباط برقرار کرد.

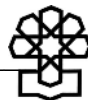
اما در عمل به یک‌باره اتفاقات دیگری رقم خورد؛ اخوان المسلمین که اعلام کرده بود برنامه‌ای برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد، با دو نامزد وارد میدان شد: **خیرات الشاطر**، که نفر شماره دو اخوان المسلمین و تاجر مشهوری است به‌عنوان نامزد اصلی؛ و **محمد مرسی**، که رئیس حزب عدالت و آزادی است، به‌عنوان نامزد جانشین.

خیرات الشاطر در انتخابات رد صلاحیت شد، اما مرسی سرانجام به مقام ریاست‌جمهوری مصر رسید. از سوی دیگر، اخوان المسلمین که اعلام کرده بود در انتخابات پارلمانی حداکثر برای ۵۰ درصد کرسی‌ها نامزد معرفی می‌کند تا ۳۰ درصد کرسی‌ها را به دست آورد نه تنها برای صد درصد کرسی‌ها نامزد معرفی کرد، بلکه بعداً مشخص شد که در بخش نامزدهای مستقل هم نامزد معرفی کرده است تا ظاهراً بدون وابستگی سازمانی در انتخابات حضور یابد و پس از ورود به پارلمان به عضویت فراکسیون اخوان المسلمین درآیند.^۱ بعداً مشخص شد تعداد بسیار زیادی از نامزدهای مستقل در واقع اعضای اخوان المسلمین هستند. در فرآیند تدوین قانون اساسی جدید مصر نیز اخوان المسلمین نشان داد که به تعهداتش پایبند نیست. این عملکرد چه در انتخابات ریاست‌جمهوری و چه در انتخابات پارلمانی درستی ادعاها و مواضع این حزب را زیر سؤال برد و باعث شد تا اخوان المسلمین در فضای سیاسی مصر *کناب* لقب بگیرد.

عملکرد ناموفق دولت مرسی در عرصه سیاست خارجی

هرچند محمد مرسی در دوره یک‌ساله ریاست‌جمهوری خود کوشید تا وضعیت بحرانی مصر را بهبود بخشد، اما عملکرد وی نتیجه مثبتی را برای مصر به ارمغان نیاورد. در حوزه سیاست خارجی، مرسی کوشید علاوه بر حفظ روابط نزدیک با آمریکا و متحدان

۱. براساس قانون انتخابات پارلمانی مصر، یک‌سوم کاندیداها نباید عضو هیچ حزب و جمعیت و تشکل سیاسی باشند؛ این شرط مثبتی بر این استدلال است که احزاب همیشه کاندیدا معرفی می‌کنند و آنها را حمایت مالی می‌کنند و طبیعتاً شانس رأی‌آوری بیشتری دارند ولی نامزدهای مستقل در این چرخه خرد می‌شوند و حقوق آنها نیز باید رعایت شود. از این رو، در پارلمان مصر یک‌سوم کرسی‌ها خاص نامزدهای مستقلند.



عربی سنتی مصر از قبیل عربستان سعودی و امارات متحده عربی و خودداری از الغای پیمان کمپ دیوید، نوعی موازنه‌سازی جدید را در روابط خارجی مصر پایه‌ریزی کند. وی در اولین سفر بین‌المللی مهم خود از چین دیدار کرد و تعداد زیادی از تجار و فرماندهان نظامی را نیز جهت عقد قراردادهای نظامی و اقتصادی با خود به‌همراه برد. وانگهی، مرسی کوشید با سفر به ایران جهت شرکت در اجلاس سران جنبش عدم تعهد، روابط با ایران را گسترش دهد. تلاش مرسی برای تقویت روابط با اروپا صیغه‌ای اقتصادی داشت. اما ناپختگی مرسی و مشاوران وی باعث شد نه تنها گسترش ارتباط با بعضی کشورها از جمله چین و ایران نتیجه‌بخش نباشد، بلکه متحدان سنتی را نیز به تردید افکند. مرسی از یکسو کوشید رابطه با چین را گسترش دهد در حالی که چین نوع حضور در مناطق مختلف دنیا را در چارچوب روابط جهانی خود تعریف می‌کند. مقامات چین با مصر تحت حاکمیت مرسی قراردادهای جدید امضا کردند، اما در عمل هیچکدام از این قراردادها اجرایی نشد. گسترش روابط مصر با ایران نیز از یک طرف متحدان سنتی قاهره (به‌طور مشخص امارات متحده عربی و عربستان سعودی) را دچار تردید کرد، اما از طرف دیگر رویکردهای بعدی مرسی باعث شد تا توسعه روابط با ایران چندان نتیجه‌بخش نباشد، چراکه نوع موضع‌گیری وی در تهران در قبال متحد استراتژیک ایران یعنی سوریه و همچنین ائتلاف مرسی با سلفی‌ها که به گسترش ائتلاف‌های درونی در مصر علیه شیعیان انجامید به مانع عمده فراروی روابط دو کشور مبدل شد.

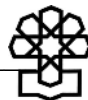
در این چارچوب، دولت مرسی در ابتدا اعلام کرد که کمیته چهارجانبه‌ای برای

حل بحران سوریه تشکیل می‌دهد و راه‌حل این بحران را سیاسی می‌داند. با این حال وی به یکباره با اتخاذ موضع‌گیری صریح علیه بشار اسد کاری کرد که در عمل، خود دولت مرسی به بخشی از بحران تبدیل شد؛^۱ مرسی در یک سخنرانی قطع رابطه کامل با سوریه را اعلام و از ایده برقراری منطقه پرواز ممنوع در سوریه حمایت کرد و در عین حال خواستار حضور نیروهای نظامی مصری در سوریه شد.^۲ وی در واکنش به اقدام اتیوپی در زمینه احداث سد اللنهضه بر روی رود نیل،^۳ بدون هماهنگی با ارتش و جلب نظر فرماندهان آن به تهدید نظامی اتیوپی پرداخت. این امر نشان می‌دهد که مرسی به دنبال ماجراجویی در روابط خارجی بود. نوع موضع‌گیری وی در قبال اتیوپی، و از آن مهمتر، در قبال سوریه که پیامدهای منفی نیز در داخل مصر داشت، سبب شد تا متحدان و سایر بازیگران منطقه‌ای مصر نسبت به احتمال ماجراجویی‌های دولت اخوان‌المسلمین در این کشور احساس خطر کنند.

عملکرد ناموفق دولت مرسی در عرصه اقتصادی

عملکرد مرسی در عرصه اقتصادی نیز بحران‌آفرین بود؛ وی در برنامه‌های انتخاباتی

۱. البته مرسی گمان می‌کرد که نوع موضع‌گیری‌هایش در قبال سوریه می‌تواند نظر مثبت‌تر قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی را جلب کند، اما این اتفاق در عمل رخ نداد.
۲. بلافاصله پس از این موضع‌گیری، یکی از فرماندهان نظامی ارتش مصر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ارتش مصر یک ارتش عربی - ملی است و در هیچ بحران خارجی و امور داخلی دیگر کشورها دخالت نخواهد کرد؛ از این گذشته، مشارکت ارتش مصر در بحران کویت نیز در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است.
۳. احداث این سد چهار سال به طول می‌انجامد؛ بهره‌برداری از آن باعث خواهد شد ورودی آب نیل به مصر یک‌سوم کاهش یابد و حیات کشاورزی و اقتصادی مصر، که به شدت به آب نیل وابسته است، به مخاطره افتد.



خود ۶۴ وعده داده بود که عمدتاً بار اقتصادی داشت. مهمترین این وعده‌ها عبارت بودند از: جمع‌آوری زباله‌های قاهره، حل بحران نان، و حل بحران سوخت. مرسی قول داده بود که این معضلات را در صد روز اول ریاست‌جمهوری خود حل کند، اما هیچ‌یک از این وعده‌ها نه تنها حتی ظرف مدت یک سال هم تحقق نیافت، بلکه اوضاع وخیم‌تر شد. وقتی مبارک از قدرت کناره‌گیری کرد مصر ۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت، اما هنگام برکناری مرسی از قدرت ذخیره ارزی مصر به حدود ۱۳/۵ میلیارد دلار کاهش یافت. همین امر نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی اخوان‌المسلمین در یک سال اخیر فاجعه‌بار بوده است. دولت مرسی در ابتدا کوشید از تجربه ترکیه استفاده کند، و حتی دفتر گسترش همکاری‌های بازرگانی و ارتباطات دولت با بخش خصوصی ترکیه را تأسیس کرد؛ اما برنامه‌های این دفتر عملاً نه به سود بخش اقتصادی مصر، بلکه صرفاً به سود فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی خود اخوان‌المسلمین تمام شد.

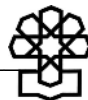
عملکرد ناموفق دولت مرسی در عرصه سیاست داخلی

در عرصه سیاست داخلی، مرسی ائتلافی را با سلفی‌ها به وجود آورد و کوشید با جلب‌نظر آنها پایگاه طرفداران خود را در صحنه سیاسی مصر گسترش دهد، اما توسعه رابطه با سلفی‌ها نارضایتی ارتش و سایر بازیگران سیاسی در مصر را به دنبال داشت. قاعدتاً انتظار می‌رفت اخوان‌المسلمینی‌ها با توجه به وعده‌هایی که داده بودند به سمت ائتلاف با لیبرال‌ها و سکولارها یا دست‌کم احزاب میانه‌رو از قبیل

حزب الوسط گرایش یابند، اما ائتلاف با سلفی‌ها اخوان المسلمینی‌ها را بیش از پیش تنها و منزوی ساخت. ائتلاف با سلفی‌ها به گسترش ناامنی اجتماعی نیز دامن زد چراکه سلفی‌ها کوشیدند شریعت را براساس آموزه‌های خود در جامعه مصر اجرا کنند. در همین چارچوب، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای وابسته به سلفی‌ها در طی یک سال اخیر گسترش قابل ملاحظه‌ای یافتند؛ حتی یکی از شیوخ آنها فتوای تخریب رأس‌الحسین در قاهره را صادر کرد. در بخش روستایی و شهرهای کوچک جامعه مصر، مزارها برای مردم تقدس دارند و این تقدس به قدری است که عروسی‌ها و مراسم شادی نیز در این اماکن برگزار می‌شوند. اما در طی یک سال اخیر، سلفی‌ها حملات شدید و تخریب‌های گسترده‌ای علیه مزارها و زیارتگاه‌هایی که لزوماً شیعی هم نبودند انجام دادند. آخرین نمونه از این قبیل کارها که در ایران بازتاب فراوانی داشت، کشتار چهار تن از شیعیان مصری در روستای زاویه مسلم در استان جیزه واقع در جنوب قاهره بود. دولت مرسی این رویداد را محکوم نکرد و حتی برخی از احزاب سلفی نیز در بیانیه خود هرچند این کشتار را محکوم کردند اما باز در مورد تقویت شیعیان در جامعه مصر هشدار دادند.

گسترش روابط با حماس به ناامنی در شبه‌جزیره سینا نیز دامن زد؛ ازسوی دیگر، اعضای حماس در درگیری‌های داخلی مصر و تشکیل گروه‌های مسلح برای حمایت از اخوان المسلمین نقش داشتند.

اخوان المسلمین در یک سال اخیر بازنویسی تاریخ انقلاب را به صورت رسمی شروع کرد. در این تاریخ‌نگاری بسیاری از فعالان اصلی انقلاب که علیه مبارک فعالیت



کرده بودند عملاً حذف شدند؛ نام احمد ماهر که جنبش اینترنتی بر ضد مبارک راه انداخته بود و جنبش وی زمینه‌ساز انقلاب ۲۵ ژانویه شد از متون رسمی که زیر نظر اخوان المسلمین نگاشته شده بود حذف گردید. او خود در بدو ورود به فرودگاه قاهره دستگیر و زندانی شد؛ افراد زیادی همچون خانم علیا ماجده المهدی، دانشجوی دانشگاه آمریکایی قاهره، به علت مخالفت با دولت اخوان المسلمینی مرسی از دانشگاه اخراج شدند.

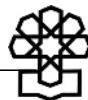
انجام این‌گونه اقدامات به تثبیت دو روند منجر شد:

۱. بازیگران داخلی و منطقه‌ای نسبت به توانایی و نتایج عملکرد دولت مرسی دچار تردید شدند و به تدریج از حمایت وی دست کشیدند.
۲. اختلافات و درگیری‌های جدیدی در درون حزب اخوان المسلمین پدیدار شد.

بازیگران عمده در صحنه سیاسی کنونی مصر و دورنمای جایگاه آنها

به‌طور کلی پنج بازیگر عمده در صحنه سیاسی کنونی مصر حضور دارند که عبارتند از: ۱. ارتش، ۲. اخوان المسلمین، ۳. احزاب و گروه‌های سیاسی قدیمی، ۴. احزاب و تشکل‌های جدید مصر از قبیل حزب الکرامه، ۵. گروه‌ها و تشکل‌های طرفدار مرسی. احزاب قدیمی وزن و انسجام چندانی در جامعه مصر ندارند؛ گردش نخبگان در این احزاب وجود ندارد و از همین رو نمی‌توانند در صحنه سیاسی مصر مفید باشند. احزاب و تشکل‌های جدید مصر از قبیل جنبش انقلاب ۲۵ ژانویه و «شباب الدوره» نیروهای سیاسی مهمی در مصر هستند، اما سازماندهی قوی ندارند. به‌ویژه آنها

به‌لحاظ اتخاذ سمت‌گیری‌های سلبی قوی بوده، اما از نظر ایجابی بسیار ضعیف هستند و نمی‌توانند نهادسازی کنند. اما در میان نیروهای اصلی جامعه مصر ارتش و اخوان‌المسلمین بازیگران متفاوتی به‌شمار می‌آیند. ارتش از انسجام سازمانی، حامیان بین‌المللی و منابع مالی قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است. از دوران زمامداری انور سادات تاکنون، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد مصر در دست فرماندهان ارتش مصر است. حمایت مالی آمریکا از مصر عمدتاً جنبه نظامی دارد. در چارچوب همکاری نظامی میان دو کشور، سالانه ۵۰۰ نظامی مصری دوره یک‌ساله‌ای در آمریکا می‌گذرانند و آموزش می‌بینند، به‌گونه‌ای که ارتش مصر در آمریکا مهمانسرای دائمی برای ۵۰۰ افسر خود دارد. همکاری میان ارتش آمریکا و ارتش مصر صرفاً به حوزه نظامی محدود نمی‌شود و سطوح دیگری از جمله عرصه‌های اقتصادی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد. ازسوی دیگر، اخوان‌المسلمین نیز از انسجام سازمانی و سابقه ۸۰ ساله‌ای برخوردار است؛ این گروه ارتباط گسترده‌ای با نیروهای منطقه‌ای دارد و سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در بخش رفاهی در مناطق حاشیه‌نشین قاهره و بخش‌های فقیرنشین مصر انجام داده است و همین امر سبب شده تا در بین اقشار فقیر و حاشیه‌نشین مصر هواداران زیادی داشته باشد. اما اخوان‌المسلمین با توجه به تحولات اخیر و درگیری‌های درونی خودش بسیار تضعیف شده است و پیش‌بینی می‌شود که در ماه‌ها و سال‌های آینده همچنان تضعیف‌شده باقی بماند. با این حال، این گروه به‌دلیل برخورداری از منابع مالی، پایگاه قوی در بدنه اجتماعی، انسجام سازمانی و تجربه تاریخی قابلیت بازسازی خود را دارد.



در مورد آینده ترتیبات سیاسی مصر می‌توان گفت که این عرصه همچنان برآیندی از تعامل بین نهاد ارتش و اخوان‌المسلمین خواهد بود. در این تعامل، اخوان‌المسلمین به مانند الگوی دوره مبارک، شکیبایی احتیاط‌آمیزی را پیشه خواهد کرد و فضای سیاسی مصر در نهایت از رهگذر چانه‌زنی بین این دو بازیگر مهم رقم خواهد خورد.

پرسش و پاسخ

• وضعیت کلی کنونی جامعه مصر را به‌لحاظ شرایط امنیتی و اقتصادی

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ (دکتر نبوی): اعتراضات اخیر مصر صبغه اقتصادی و اجتماعی داشته است. به‌طور کلی وضعیت کنونی این کشور به‌مراتب وخیم‌تر از دوران مبارک است. در دوران مبارک به هر دلیلی اقداماتی چون گروگانگیری وجود نداشت. اما در حال حاضر، امنیت اجتماعی زیر سؤال رفته است. بازیگران خارجی از قبیل عربستان سعودی به وعده‌های خود عمل نکردند. از آنجا که مصر با ایران و چین تعامل کرد، عربستان هیچ سرمایه‌گذاری اقتصادی در مصر انجام نداد؛ امارات متحده عربی طی یک سال گذشته یک میلیارد دلار از چرخه اقتصاد مصر خارج کرد و کویت نیز هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری جدیدی در یک سال اخیر در این کشور انجام نداده است.

نامنی سبب شد صادرات گاز مصر به اردن و رژیم صهیونیستی مختل شود و بخشی از درآمدهای خارجی این کشور آسیب ببیند؛ ترکیه و قطر کوشیدند خلاً این

کشورها را پر کنند؛ ترکیه وعده یک میلیارد دلاری به دولت مرسی داد. قطر هم وعده کمک مالی کلان داده بود، اما شرایطی که این کشور برای بازپرداخت سرمایه‌گذاری‌های موردنظر پیشنهاد کرده بود جامعه مصر را به این نتیجه رساند که نباید این‌گونه وام‌ها را بپذیرد.^۱ با این حال، وضعیت اقتصادی و اجتماعی به حالت وخیمی رسیده است. به‌طور کلی ریشه اعتراضات اخیر بیشتر نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی است که رنگ و لعاب سیاسی به‌خود گرفته است.

• اختلافات مصر و عربستان سعودی ناشی از ملاحظات ایدئولوژیک است یا

از الزامات ژئوپلیتیک منطقه‌ای سرچشمه می‌گیرد؟

○ (دکتر نبوی): با آغاز اقدامات سرکوبگرانه عبدالناصر علیه اخوان المسلمین، بسیاری از رهبران این گروه به عربستان سعودی گریختند. رهبران اخوان المسلمین در عربستان مورد حمایت قرار گرفتند و بسیاری از آنها در بخش بازرگانی فعال شدند، از این مقطع به بعد است که بخش بازرگانی و مالی اخوان المسلمین به‌تدریج رشد می‌کند. به‌دنبال روی کار آمدن انور سادات، رابطه مصر با عربستان سعودی بهبود یافت: سادات چرخشی را در سیاست‌های خارجی مصر به‌وجود آورد که به قطع همکاری با شرق و به‌گسترش همکاری با بلوک غرب انجامید و این روند طبیعتاً گسترش رابطه با عربستان سعودی را نیز در پی داشت. سادات رابطه با

۱. این شرایط عبارت بودند از: اجاره ۲۵ ساله کانال سوئز و وثیقه گذاشتن بخشی از آثار باستانی مصر. مذاکراتی در این زمینه صورت گرفت، اما فشارهای جامعه فرهنگی و مطبوعات مصر سبب شد دولت مرسی عقب‌نشینی کند.



اخوان المسلمین را نیز گسترش داد چراکه در چارچوب سیاست داخلی خود قصد داشت ناصریست‌ها و کمونیست‌ها را کنار بزند و همین خط‌مشی باعث شد روابط دولت مصر با اخوان المسلمین در دوره اول ریاست‌جمهوری سادات حسنه شود و رفت‌وآمد میان اعضای اخوان المسلمین و مقامات دولتی افزایش یابد. دولت مصر حتی توانست از نفوذ اخوان المسلمین در جامعه مصر برای منکوب کردن و به حاشیه راندن ناصریست‌ها و چپ‌ها در دفاع از سادات استفاده کند. در این میان، گسترش همکاری‌های مصر و عربستان سعودی به نفع اخوان المسلمین تمام شد؛ این گروه از روابط حسنه مصر و عربستان سعودی در جامعه مصر بهره‌برداری کرد اما عملکرد رهبران بعدی آن سبب شد تا ریاض رفته‌رفته به تردید برسد و صرفاً از حکومت مستقر در قاهره حمایت کند. پس از سادات در دوره مبارک، روابط مصر با عربستان سعودی بیش از پیش گسترش یافت.

از سوی دیگر، گروه‌های ضعیف سلفی نیز در مصر فعالیت می‌کنند که ریشه تاریخی چندانی ندارند و در چند دهه گذشته شکل گرفته‌اند، اما در طول یک دهه اخیر به تدریج مورد حمایت مالی عربستان سعودی و امارات متحده عربی قرار داشته‌اند. با این حال، نحوه حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی از گروه‌های سلفی صرفاً در راستای گسترش پیام‌های تبلیغاتی ایدئولوژیک جهت مقابله با تشیع و قبطی‌ها بود. اقدامات سلفی‌ها مطلقاً به گونه‌ای نبود که آنها اقدامی علیه حکومت مبارک انجام دهند.

در واکنش به تخریب روابط دولت اخوان با عربستان سعودی، رهبران عربستان

سعودی استدلال کرده‌اند که اخوانی‌ها ناسپاسند، زیرا این گروه در دوره‌های حکومت ناصر و سادات از عربستان سعودی جهت تضمین امنیت خویش بهره برد، اما هنگامی که جایگاه اخوان المسلمین در مصر ارتقا یافت، به وعده‌های خود عمل نکرد. به همین دلیل، در جریان اولین سفر خارجی مرسی به عربستان، مطبوعات سعودی به‌طور یکپارچه عکسی از حسن البنا منتشر کردند که در دیدار با ملک مسعود اقدام به بوسیدن دست وی می‌کند. هدف از انتشار این تصویر تأکید بر آن بود که اخوانی‌ها در طول تاریخ دست‌بوس سعودی‌ها بوده‌اند. مهمترین مخالف اخوانی‌ها در نظام سیاسی عربستان شاهزاده نایف بود که چند ماه پیش از دنیا رفت. با مرگ نایف اخوانی‌ها نفس راحتی کشیدند و از این به بعد می‌توانستند رابطه خود با نظام سیاسی عربستان سعودی را بهبود بخشند. البته این رابطه بهبود نیافت و عربستان ترجیح داد تا با ارتش رابطه برقرار کند. طی یک ماه گذشته نیز ارتش مصر روابط گسترده‌ای با عربستان داشته و مانور مشترک نظامی سالیانه در سطح نیروی هوایی با ارتش سعودی برگزار کرده است.

بلافاصله پس از سقوط مرسی، اعلام شد که عربستان پنج میلیارد دلار به دولت موقت کمک می‌کند و امارات متحده عربی نیز ضمن تصویب کمک سه میلیارد دلاری به دولت موقت، به آمریکا پیغام داد که به محض قطع کمک این کشور به مصر، سالیانه ۳ برابر آن مبلغ را در اختیار ارتش مصر قرار خواهد داد. امارات متحده عربی و عربستان سعودی اولین کشورهایایی بودند که دولت موقت را به رسمیت شناختند. این اقدام به‌خوبی بیانگر میزان ناراحتی مقامات این دو کشور از حکومت مرسی بود.



• مطابق با نظرسنجی‌های صورت گرفته در مصر، حدود ۹۰ درصد مردم این کشور مخالف آمریکا هستند. در عین حال نهاد ارتش که روابط استراتژیکی با آمریکا دارد از جایگاه خوبی در بین مردم مصر برخوردار است. این پارادوکس چگونه قابل توضیح است؟

○ (دکتر سلیمی): البته این پارادوکسی است که در جامعه مصر وجود دارد. واقعیت این است که ارتش مصر ریشه مستحکمی در این کشور دارد. اساساً ایجاد نظام سیاسی مدرن در جامعه مصر با نقش‌آفرینی نظامیان همراه بوده است، زیرا آنها تنها نیرویی بودند که می‌توانستند امنیت را در این کشور برقرار سازند. برقراری امنیت و ثبات بزرگ‌ترین دغدغه جامعه مصر است و همین امر باعث شده تا نگاه ویژه‌ای به نهاد ارتش وجود داشته باشد.

اگرچه ارتش مصر روابط نزدیکی با آمریکا دارد، اما به هر حال از نظر مردم تنها نهادی است که می‌تواند امنیت سیاسی و اجتماعی را در این کشور حفظ کند. باید توجه داشت که هرچند نگاه مصری‌ها به آمریکا منفی است، اما نوع نگاه آنها چندان دارای بار ارزشی نیست و این امر سبب می‌شود که جایگاه و اعتبار ارتش نزد مردم مخدوش نشود.

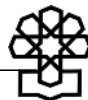
• برخی کارشناسان معتقدند روی کار آمدن یک دولت سکولار در مصر می‌تواند تأثیر بهتری بر روابط این کشور با ایران بر جای گذارد زیرا دولت‌های غیرسکولار و برآمده از جنبش اخوان المسلمین، اختلافات مهمی با ایران بر سر مسائل جهان اسلام دارند. با این حال فکر نمی‌کنید که در صورت

قدرت گرفتن سکولارها نزدیکی آنها به آمریکا سبب خواهد شد که موانع فراروی توسعه روابط ایران و مصر افزایش یابد؟

○ (دکتر سلیمی): نزدیکی مصر به آمریکا به معنای افزایش تقابل آن با ایران نخواهد بود؛ از سوی دیگر، بسیاری از کشورهایی که به ایران نزدیکند روابط نزدیک‌تری هم با آمریکا دارند. برای مثال، عراق روابط بسیار حسنه‌ای با ایران دارد ولی با آمریکا هم رابطه مطلوبی دارد. از این رو نمی‌توان گفت که رویکرد مثبت سکولارهای مصر به آمریکا الزاماً به معنای منفی شدن نگاه آنها به ایران خواهد بود.

● فکر نمی‌کنید که رویکرد مردم مصر نسبت به اسلام و شریعت باعث خواهد شد که آنها با ارتش این کشور که در ساقط کردن دولت اسلامی مرسی نقش داشت، دچار تعارض شوند؟

○ (دکتر نبوی): بیشتر مردم مصر معتقدند شریعت یا قرآن در تدوین قوانین باید تأثیر مثبت داشته باشد و منظور قاطبه آنها از شریعت همانا شریعتی است که بتواند با قواعد دنیای مدرن سازگار باشد. ما نمی‌توانیم دولت مرسی را حکومت الشریعه نام نهمیم. درست است که اخوان المسلمین یک بند اسلامی و شریعت‌محورانه را وارد قانون اساسی مصر کرد ولی نوع عملکرد مرسی در حوزه‌هایی از قبیل گردشگری از تأسیس حکومت الشریعه در مصر حکایت نمی‌کند. علاوه بر این، ارتش مصر بعد از ارتش سودان مؤمن‌ترین و مذهبی‌ترین ارتش در خاورمیانه عربی است. این ارتش ۴۶۰,۰۰۰ هزار نفر سرباز دارد و از هر ۵ سرباز یک نفر حافظ کل قرآن کریم است. معتبرترین



مسابقه سالیانه حفظ و قرائت قرآن کریم در مصر برگزار می‌شود و دارالضیافه ارتش مصر به‌طور سنتی میزبان این مسابقه است و بسیاری از سربازان ارتش نیز در این مسابقه شرکت می‌کنند. آقای طنطاوی وزیر دفاع سابق متعلق به خاندان مشهور طنطاوی‌های مصر است که وزیر دفاع رژیم مبارک بود. مصری‌ها اسلام را به‌عنوان هویت تلقی می‌کنند نه به‌عنوان ایدئولوژی؛ تلقی مصری‌ها از اجرای احکام شریعت با آن تلقی که در عربستان سعودی یا ایران یا افغانستان یا پاکستان وجود دارد، فرق دارد. ارتش مصر به همان نسبت که مذهبی است یک نهاد ملی نیز به‌شمار می‌آید و این وضعیت نیز منافاتی با گسترش رابطه مصر با آمریکا یا اروپا ندارد.

● با توجه به تجربه ناموفق اخوان المسلمین در یک سال اخیر و نیز انشعابات

که در این گروه به وقوع پیوست، آینده آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ (دکتر نبوی): تحولی که در روزهای اخیر رخ داد و نوع سرنوشت حکومت مرسی تجربه‌ای بسیار مهم و نقطه عطفی برای اخوانی‌ها خواهد بود. این روند به بحث‌ها و اختلافات داخلی اخوان المسلمین دامن خواهد زد. بدینسان، بخشی از اخوان المسلمین به سمت رادیکالیسم و ارتباط با سلفی‌های تندرو یا ارتباط بیشتر با حماس گرایش خواهد یافت و چه‌بسا ممکن است بخشی از اعضای این حزب دست به سلاح ببرند. اما بخشی دیگر از اخوان المسلمین قطعاً ریزش خواهند کرد و به گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو مثل حزب الاوسط یا افرادی مثل ابوالفتوح و دیگران خواهند پیوست و از این طریق وارد فعالیت‌های سیاسی خواهند شد؛ اما به‌نظر می‌رسد اخوان المسلمین در بلندمدت خود را

بازسازی خواهد کرد. تجربه و تحولات یک سال اخیر نشان داد که اخوان المسلمین یک جریان اپوزیسیون نجیب است اما در مقام سیاستمدار و دولتمرد عملکرد بدی دارد. این تجربه در آینده سرمایه‌گرانسنگی برای اخوان المسلمین خواهد بود.

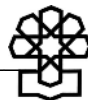
جمع‌بندی و ارزیابی

مباحثی که در این نشست تخصصی مطرح شد، چند واقعیت مهم را در مورد مصر آشکار ساخت:

نخست آنکه، مصر را می‌توان تأثیرگذارترین کشور در جهان عرب به‌شمار آورد، زیرا تحولات آن بر پویش‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و به‌ویژه خاورمیانه عربی تأثیر نهاده است.

دوم آنکه، فضای سیاسی کنونی مصر برآیند نوعی تجربه تاریخی انباشته شده‌ای در مورد رابطه دولت و جامعه از یک‌سو و نقش‌آفرینی همه‌جانبه ارتش در تنظیم این رابطه بوده است. بر همین اساس می‌توان استدلال کرد و قیاسی که در مصر روی دادند روندی طبیعی را پیموده‌اند. چراکه شاکله سیاسی مصر و اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این کشور، دیر یا زود، مداخله‌گری نظامیان در عرصه سیاست مصر را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت.

سوم آنکه، دولت مصر در طی تاریخ معاصر همواره نه یک «دولت ملی» بلکه «دولت بین‌المللی» بوده است، زیرا رفتار دولت مصر در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پرتو الزامات ساختاری نظام بین‌الملل شکل گرفته است.



چهارم آنکه، هرچند جامعه مصر جامعه‌ای مذهبی است ولی مذهب در مصر به‌مثابه هویت مطرح است و آن‌گونه که در ایران، عربستان سعودی، افغانستان و پاکستان به چشم می‌خورد، صبغه ایدئولوژیک ندارد.

پنجم آنکه، به‌نظر می‌رسد رفتار دولت مصر در آینده به‌وسیله دولت‌های ثروتمند عربی و ایالات متحده مشروط خواهد شد، چراکه دولت مصر برای ادامه حیات خود نیاز مبرمی به کمک‌های اقتصادی و مالی آنها خواهد داشت.

ششم آنکه، حکومت مرسی نخستین تجربه زمامداری اخوان‌المسلمین بود. رفتار مرسی انعکاسی از ناپختگی اخوان‌المسلمین در عرصه سیاستمداری و اشتباهات فاحش آن در نتیجه عدم درک صحیح از تحولات سیاسی مصر در قبل، حین و پس از پیروزی انقلاب این کشور بوده است.

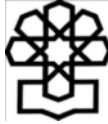
هفتم آنکه، ثبات سیاسی مصر در آینده در گرو حضور تمام جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی در عرصه حکومتداری خواهد بود. وجود حکومت مختلط با مشارکت تمامی سلیقه‌ها به بهترین نحو خواهد توانست ثبات را در این کشور که با معضلات اجتماعی و اقتصادی چشمگیری دست و پنجه نرم می‌کند برقرار سازد و تداوم بخشد.

با توجه به واقعیت‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد و در پرتو عملکردی که دولت محمد مرسی در روابط خارجی مصر و به‌طور خاص در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته است، می‌توان به ارزیابی ذیل دست یافت:

به‌نظر می‌رسد نوعی دمکراسی نیم‌بند و کنترل شده که نظامیان نقش کلیدی را در هدایت و تنظیم آن برعهده خواهند گرفت، در مصر شکل خواهد گرفت تا بتواند

اولویت‌های مصر پس از مبارک را جامعه عمل ببوشاند.

با توجه به تداوم نقش بارز ارتش در عرصه سیاسی مصر، به مانند دوران مبارک و نیز تأثیرپذیری شدید مصر از الزامات ساختاری نظام بین‌الملل، به‌علت شکنندگی وضعیت اقتصادی و اجتماعی این کشور، نوعی تداوم را در بنیان‌های سیاست خارجی مصر در قبال تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شاهد خواهیم بود. اما با توجه به متکثرتر شدن تشکیلات نخگی در پویش سیاسی این کشور، نوعی حزم و احتیاط نیز در اتخاذ تصمیم‌ها در عرصه روابط خارجی مصر به چشم خواهد خورد. در این میان، پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران، در پرتو ملاحظات فوق از ثبات سیاسی و آرامش اجتماعی از طریق ارتقای معیارهای دمکراتیک در مصر حمایت کند و با قاطبه جریان‌های مصری، البته به‌استثنای سلفی‌ها، تماس داشته باشد. در همین ابتدا، جمهوری اسلامی ایران باید از نگاه ایدئولوژیک به روابط ایران و مصر بپرهیزد و ملاحظات کارکردی از قبیل توسعه روابط گردشگری، مناسبات فرهنگی و همکاری‌های اقتصادی را سنگ بنای روابط با مصر جدید قرار دهد. این ضرورت مبتنی بر این واقعیت است که اولاً هیچ‌یک از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در مصر دست بالا را در عرصه قدرت ندارند و معلوم نیست و بلکه بعید است که قدرت فائقه را در این کشور به‌دست آورند و ثانیاً با توجه به تبلیغات منفی رسانه‌های سعودی و قطری و نیز با عنایت به همبستگی هویتی مصری‌ها با دولت‌های عرب منطقه، بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای نرم برای تسهیل و ارتقای مناسبات میان دو کشور اثربخش‌تر خواهد بود.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۰۹۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تحولات اخیر مصر با تأکید بر علل سقوط محمد مرسی
گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۲)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

سخنرانان: حسین سلیمی، عبدالامیر نبوی

تهیه و تنظیم: روح‌ا... طالبی آرانی

ناظر علمی: مهدی امیری

مقتضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. مصر

۲. محمد مرسی

۳. اخوان المسلمین

۴. ارتش

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۵/۲